

نور و ظلمت

ویراست اول

www.mykarbala.ir

- به جهت حفظ انسجام و یکپارچگی مقاله مطالب فرعی با رنگ روشن متمایز شده است.

بخش پنجم از قسمت دوم

(۲) خلافت و حکومت

(۲/۱) جانشینی ائمه در تمامی شئون پیامبر

امامان ما در تمامی ویژگی‌ها و مقامات خویش جز مقام رسالت با پیامبر خاتم همسان و مشترکند و در تمامی آن زمینه‌ها جای خالی پیامبر را پر می‌کنند. نباید وصایت ائمه معصومین را تنها در برخی از خصوصیات پیامبر دانست در صورتی که روایات فریقین ایشان را به صورت مطلق وارث پیامبر در همه زمینه‌ها معرفی می‌کنند.

علم ، عصمت ، وحی ، هدایت ذاتی ، اخلاق ، حکومت و غیر از اینها ، اوصافی است که از پیامبر گرامی به اهل بیت و اوصیاء ایشان منتقل شده است.

• معنای خاتمیت پیامبر

برخی افراد بی‌اطلاع از مفاهیم دینی هر نوع صفت کمالی مشابه یا موجود در پیامبر را با پیامبری مساوی انگاشته و تعمیم آن صفت به غیر را با اصل خاتمیت متناقض می‌خوانند. در حالی که معنا و مفهوم خاتمیت نه انحصار صفات ذکر شده به پیامبر و عدم بسط آن به امام بلکه معنای آن خاتمیت در نبوت و پایان ظهور پیامبر جدید و شریعت تازه است. ما هرگز مدعی شریعت و پیامبری جدید نیستیم و معتقدیم جانشینی در عرصه‌های تفسیر دین و امور دنیا از طرف پیامبر خاتم و خداوند به امامان شیعه تفویض شده است.



(۲/۲) ولایت از اصول دین است

تصدیق ولایت و خلافت ائمه اطهار یک مسئله فروع دین نیست بلکه از اصول دین می باشد.

برون داد این مطلب چند امر است:

- ۱- انکار آن به منزله خروج از دین است .
- ۲- مرتبه آن قبل هر عمل دینی است و اساس پذیرش اعمال بر عقیده به آن استوار شده.
- ۳- خلاف آن به واسطه تقلید از کس دیگری توجیه نمی شود. و اطلاع گرفتن از آن واجب است.
- ۴- اختلاف در آن یک اختلاف ریشه‌ای و زیرساختی میان مذاهب محسوب می شود.
- ۵- لزوم آن صرفاً شرعی یا قراردادی نیست و یک نگاه شناختاری در پس آن است.

• برون داد زیرساختی بودن اختلاف بر ولایت :

- ۱- پذیرش آن زمینه هدایت اهل یک مذهب را مهیا می کند و نپذیرفتن آن گمراهی و بداخلاقی عمومی می آورد.
- ۲- منکران این اصل در باقی ابعاد روساختی دین مثل گفتار ، عمل ، اخلاق و عقلانیت ، متهم و غیرقابل اعتمادند.
- ۳- بدون اصلاح این مشکل بنیادین اصلاح اختلافات سطحی و راهبردی به نحو بایسته ممکن نیست بلکه دو دشمن را زیر یک لحاف خواباندن است.

(۲/۳) انحصاری بودن ولایت

این مقام به هر شخصی داده نمی شود :

- مقامی است که تنها افراد واجد صلاحیت آن را بدست می آورند و جز به بالاترین افراد داده نمی شود .
- این مقام را خداوند از ازل با توجه به آگاهی بر تمامی موجودات و استحقاق ایشان به عده‌ای اختصاص داده و دیگران را کنار گذاشته است.
- آیات و روایات به قطع بر انتصاب تنها دوازده نفر مشخص به این مقام از سوی خداوند دلالت دارد نه غیر ایشان .



بنابراین :

- ۱- مقدم کردن هر فردی بر ایشان یا قرار دادن هر کس دیگر در این جایگاه جز دوازده امام تعیین شده از طرف خداوند ، مجاز نمی باشد .
- غاصبان این مقام در هیچ زمان و شرایطی به رسمیت پذیرفته نمی شوند و مراجعه به ایشان در هر امری حرام است.
- اعتقاد به خلافت غیرایشان به هر نحو باشد ، مخالفت با حقایق الهی و امر او بوده و خروج از دایره عبودیت است.
- فاصله انداختن در خلافت ایشان با انکار مطلق حق و منزلتشان فرقی نمی کند. آنچه لازم است اعتقاد به خلافت بلافصل امیرمؤمنان و دیگر ائمه اطهار است.

۲- این تعداد محصور است و اضافه شدن فردی یا افرادی به آن احتمال ندارد. اگر این افراد به واقع صلاحیت کامل احراز این عنوان را داشتند ممکن نبود پروردگار عادل ایشان را محروم کند یا حداقل به عنوان ذخیره معرفی نماید.

• تذکر :

شنیده شده به جهت تمجید از برخی امامزادگان بزرگوار گفته می شود که ایشان لایق مقام امامت بوده و در صورت نبود یکی از دوازده امام به عنوان ذخیره این مقام را بدست می گرفته است .

بنابر آنچه بیان شد این امر به عنوان یک احتمال هم منتفی است و نه تنها دلیلی بر آن وجود ندارد بلکه از سوی خود این امامزادگان نیز نفی شده است.



۳- از این تعداد حتی یک نفر کم نمی‌شود و لاجرم همه ایشان می‌بایست به جایگاهی که لایق آنند و خداوند آن را بیهوده به ایشان اختصاص نداده برسند .

• نکته :

خداوند جهان را طوری رقم زده که ایشان از مقام خود محروم نشوند . ایشان را به هر نحو شده باقی می‌دارد تا وعده‌اش بر ولایت آنها محقق شود.

• تذکر :

هر مذهبی که انحصار و تحقق ولایت در این دوازده امام را به هر نحو قبول نداشته باشد بر باطل است و ما با آنها هیچ توافقی نداریم هر چند از جمله فرق شیعی عنوان شوند. نوع نگاه و عقیده ما نسبت به تمامی ادیان و فرق غیر از شیعه دوازده امامی یکی خواهد بود.

(۲/۴) امامان بعد پیامبر با نام مشخص بودند

پیامبر اکرم نه تنها امیرمؤمنان بلکه تمامی دوازده جانشین خود را با نام کامل معرفی و ایشان را از اهل بیت خویش اعلام نموده‌اند و در قرآن هم به این اشاره شده است.

- این از ابتدای بعثت بوده و مربوط به آخر عمر شریفشان نیست .
- در محافل و اجتماعات مختلف این ابلاغ صورت می‌گرفته است .
- دفعات آن زیاد بوده نه اینکه معدود به چند موضع باشد.
- مسلمین این دستور را می‌دانستند و امامان حقیقی را می‌شناختند.



۲/۵) قلمرو و ملت تحت حاکمیت ائمه معصومین

امامان ما نه تنها خلیفه پیامبر اسلام بلکه بسان حضرت رسول خلیفه خدا در زمین می‌باشند. ولایتی که از طرف خداوند برای ایشان در نظر گرفته شده تمام مشرق و مغرب زمین را شامل می‌شود و بر تمامی انسان‌ها و بندگان خدا سایه گسترده است. لذا هیچ فردی و هیچ زمینی نیست جز آنکه خدا وعده کرده آن را تحت حاکمیت بهترین بندگانش قرار می‌دهد و وعده‌ی الهی گزافه و عقیم نخواهد بود.

۲/۶) دوام و ثبات امامت

در اینجا به دو نکته باید اشاره شود :

۱- بعضی در نگاه به امامان گمان دارند ایشان چند فرد با چند اندیشه و برنامه متفاوت می‌باشند در صورتی که به باور ما ایشان دارای یک حقیقت واحد می‌باشند و دستوراتی را اجرا می‌کنند که از طرف خداوند به ایشان ابلاغ شده و هیچ گونه تفاوت و تغییر در آن نیست. بنابراین امامان یکی پس از دیگری ادامه دهنده مسیر امام سابق بر خود می‌باشند به نحوی که اگر هریک از ایشان در آن زمان و شرایط بود همانطور عمل می‌نمود.

۲- امام دارای خصوصیات و اوصافی پایدار است و چنان افراد عادی ممکن نیست صلاحیت خود را برای حکومت و ولایت از دست بدهد. خداوند به عنایت خود، ایشان را از هرگونه نقص و سستی حفظ کرده و تا آخر عمر شریفشان برتری خود برای این منصب را دارا می‌باشند. بنابراین هیچگاه شرایطی پیش نخواهد آمد که لازم باشد امام از مقام خود کناره گیرد یا معزول شود.



۲/۷) شرایط ظاهری امام

- ما علاوه بر شرایط ویژه علمی و معنوی برای امام اول و جانشین بعد پیامبر، تحقق یک سری نشانه‌های دنیایی و ظاهری را نیز شرط می‌دانیم که برای شناسایی او مقدر شده :
- ۱- باید داماد پیامبر و همتای بانوی طهارت و همسر دخت معصوم ایشان باشد.
 - ۲- از شریف‌ترین انساب عالم یعنی بنی‌هاشم و از نسل انبیاء الهی باشد.
 - ۳- پدر نوادگان معصوم پیامبر خدا و اوصیاء بعد از او تا آخرین ایشان باشد.
 - ۴- برادر پیامبر باشد که از سوی ایشان به عنوان برادری خوانده شده است.
 - ۵- از کودکی در کنار پیامبر و تحت تکفل و تربیت ایشان رشد نموده باشد.
 - ۶- نشانه‌های چهره و بدن با علامتی که در کتب آسمانی برای او ذکر شده منطبق باشد.
 - ۷- وسایل شخصی و کتب آسمانی مخصوص پیامبر بعد حیات ایشان به او منتقل شده باشد.
 - ۸- با به خطر انداختن جان خود جان پیامبر خدا را نجات داده باشد.
 - ۹- وصی پیامبر خدا و مسئول پرداخت دیون و انجام امور بعد درگذشت ایشان باشد.
 - ۱۰- در حال رکوع نماز صدقه دادن و امثال این موارد که خاص امیرالمؤمنین است.

• چند نکته :

- به عقیده ما پدران پیامبر اسلام و امیرمؤمنان همه از انبیاء الهی و مادران آن دو بزرگوار و سایر ائمه هدی، یکتاپرست و تابع آیین اجداد الهی خود بوده‌اند. بعضی براساس ظاهری در تحلیل متون تاریخی دچار این شبهه شده‌اند که پدران و مادران ائمه مشرک بودند یا بعد به اسلام گرویدند. در صورتی که ما تولد این بزرگواران از انسانهایی ناپاک و آلوده به شرک را محال می‌شمیریم.
- در هر زمان تنها یک نفر بدان پایه صعود معنوی خواهد داشت که به عنوان مادر امام و خلیفه الهی انتخاب شود.
- مادران ائمه بنابر عقیده ما و به شهادت تاریخ بر ادیان آسمانی مؤمن و متدین بودند تا حدی که می‌توان درجه‌ای از پاکی و عصمت برای ایشان در نظر گرفت.



• ایمان ابوطالب

به بیان منابع متعدد مذهب شیعه و برخلاف گزارش دشمنان ، حضرت ابوطالب پیامدار الهی ، وصی حضرت عبدالمطلب و وارث نبوت ابراهیم و عیسی بوده‌اند . نه تنها مشرک نبودند ؛ حتی به اندازه یک چشم برهم زدن قلب مبارکشان از ایمان خالی نگشته و هیچ معبودی جز الله نگرفتند . از دین تمامی انبیاء عمل محتاطانه در شرایط سخت و مخفی کردن ایمان بوده است . پدران ائمه هم برطبق همین سنت ایمان خود را مخفی می‌نمودند و به ظاهر خود را با مشرکان نشان می‌دادند تا خودشان و حقایقی که در نزدشان بود را محفوظ نگاه دارند.

• علی تنها داماد پیامبر

به عقیده ما از پیامبر گرامی تنها یک فرزند دختر باقی ماند و آن هم حضرت زهراء است. و لزوماً تنها یک داماد داشتند که کسی جز علی بن ابی طالب نیست. این مطلب از منابع مخالفان به خوبی قابل اثبات است :

- ۱- در مقابل احتجاج امیرالمؤمنین به دامادی پیامبر برای بیان فضیلت خود و اثبات امامت ، کسی دیگر ادعای دامادی پیامبر را نداشت و اگر بود در مقابل اعلام می‌کردند.
 - ۲- خود حضرت صدیقه طاهره به اینکه تنها دختر پیامبر خداست و تنها شوهر او داماد پیامبر است ، تصریح فرموده‌اند.
 - ۳- از سخنان برخی از صحابه طرفدار خلفا بر می‌آید که فرد ادعا شده به عنوان داماد پیامبر نبوده است.
 - ۴- متون تاریخی اهل تسنن در این باره دچار تناقضات مضحکی می‌باشد که امکان اثبات دامادی دیگری را باقی نمی‌گذارد.
 - ۵- در مقابل توجهات بی بدیل پیامبر رحمت به حضرت فاطمه، هیچ‌گونه توجه ویژه‌ای از سوی ایشان و حتی امت اسلام به شخص دیگری به عنوان دختر رسول الله گزارش نشده است .
 - ۶- تنها یک نفر در قرآن به عنوان گسترش دهنده نسل پیامبر و مصداق زنان منسوب به پیامبر معرفی شده و دختر دیگری نبود تا بابت چنین جایگاهی ستوده شود.
- حداکثر می‌توان گفت کسانی که به عنوان دختر پیامبر معرفی می‌شوند دختر همسران یا دختران تحت کفالت حضرت بوده‌اند.



- نماز بر پیکر پیامبر و کفن و دفن بدن مطهر

به عقیده ما و بیان تاریخ هیچ یک از صحابه که بعداً در حق علی خیانت کردند در مراسمات غسل و تکفین پیامبر شرکت نداشتند و در آن هنگام به جای احترام کردن فرستاده‌ی خدا در سقیفه مشغول نزاع بر سر خلافت بودند و امیرالمؤمنین خود به تنهایی غسل و کفن پیامبر را به عهده گرفتند.

بر پیکر مطهر پیامبر نماز دسته جمعی برگزار نشد و تنها علی و اهل بیت او و یاران وفادارش بر نبی مکرم اسلام نماز گزاردند و باقی مردم گروه گروه داخل خانه محل استقرار بدن ایشان می شدند و صلواتی خاص را قرائت کرده و خارج می گردیدند و اجازه نماز میت به وجه شرعی را نیافتند. حتی برخی همسران آن بزرگوار به جهت ترس از رسوایی و مجازات در مورد قتل پیامبر، خود را در اتاقشان حبس کرده بودند و در تمام این مدت بیرون نیامدند.

پیامبر تشییع جنازه نداشتند و بنابراین کسی در حمل و تشییع ایشان حضور نداشت و همه امت خائن به حق رسالت از فضیلت مشارکت در مراسمات بعد شهادت پیامبرشان محروم ماندند.

تنها وصی شرعی ایشان به دستور خود حضرت چنین فضیلتی را بنام خود ثبت فرمود و این اعمال را سریع به انجام رسانید و پیامبر را به خاک سپرد تا منافقان امکان برداشت سیاسی از این مراسمات را بدست نیاورند.





www.mykarbala.ir

معارف اصیل شیعه را در فضای مجازی به اشتراک بگذارید

www.mykarbala.ir

با نظرات خویش ما را در تکمیل این مجموعه یاری فرمایید

